

## آزادی بیان؛

“توهین به مردم،” “توهین به مقدسات”

سیاوش دانشور

صفحه ۳

### اعلامیه حزب حکمتیست

اعتراض کارگران داروگر “ما خودمان میتوانیم کارخانه ها را

اداره کنیم”!

صفحه ۵

۲۰ سال گذشت، ۳۰ خرداد ۶۰

گفتگوی آذر ماجدی با منصور حکمت در رادیو انترناسیونال

۲۳ خرداد ۱۳۷۹

صفحه ۶

### اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با تعطیل اعتراضی شهر سقز و جواب قاطع به رژیم

سرکوبگر اسلامی

صفحه ۸

منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و تاکتیک و ابتکارات

(بخش اول، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳)

رحمان حسین زاده

صفحه ۹

غرق شدن صدها پناهجو از جمله قریب به یکصد کودک

”جامعه جهانی“ کجاست؟!!

سعید آرمان

صفحه ۱۱

یادداشتها

سیاوش دانشور

صفحه ۱۲

پیام کنفرانس دوم شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، به

زندانیان سیاسی!

صفحه ۸

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۳

۷۰۳

# مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

جمعه ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ - ۱۶ ژوئن ۲۰۲۳

دیپلماسی نیز، جمهوری اسلامی

را از مرگ حتمی نجات نمی

دهد!

سرکوب و جنایت در داخل

، کرنش در خارج

با فروکش کردن اعتراضات توده ای در خیابانها، در مقایسه با سه ماهه آغاز خیزش انقلابی که می رفت بساط جمهوری اسلامی را در هم پیچد، جمهوری اسلامی با سرکوب و دستگیری‌های وسیع و اعدام جوانان انقلابی جانی تازه ای گرفت.

رژیم سرمایه داری اسلامی که بحران‌ها و نفرت عظیم توده ای آن را محاصره کرده در داخل سرکوب خشونت و جنایت علیه شهروندان را پیشه کرده و برای سرپوش گذاشتن معضلات داخلی تا خیزش بعدی به دیپلماسی فعال و روابط دیپلماسی و اقتصادی با همسایه ها که تا قبل از آغاز خیزش انقلابی برای هم شاخ و شانه می کشیدند روی آورده است.

رژیم اسلامی در مقابل اعتراض و نارضایتی و نفرت عمومی از خود، دندان خونین نشان می دهد و هر آنچه که در مخوله انسان نمی کنجد علیه شهروندان، فعالین، خانواده جانبختگان انجام می دهد و برای حفظ این نظام گندیده از هیچ جنایتی رویگردان نیست. اما در مقابل "دشمنان خار جی" کرنش نشان می دهد و به دیپلماسی روی آورده است. با این امید اگر در داخل با آغاز خیزش انقلابی و تعرض مردم به مقدسات و کلیت نظام قدر قدرتی جمهوری اسلامی را در انتظار افکار عمومی و دولت‌های

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



مرگ حتمی نجات نخواهد داد. جمهوری اسلامی درب و داغان تر از آنست که با نشان دادن چنگال خونین در داخل و کرنش و تعظیم در مقابل دولت‌های خارجی از مرگ حتمی نجات خواهد یافت.

جامعه ایران به عقب بر نمی‌گردد در این نباید تردید کرد. میان اکثریت مردم و جمهوری اسلامی دریایی از خون و جنایت قرار دارد که با هیچ چیزی پر نمی‌شود. زندگی در جهنم جمهوری اسلامی برای اکثریت اعظم مردم کارگر و زحمتکش و زن و جوان غیرممکن و به آخر خطر رسیده است. عبور از جمهوری اسلامی و سرنگونی انقلابی این حکومت جهل و جنایت و استثمار، تنها انتخاب ممکن با همه سختی و دشواری‌های آن در مقابل جامعه است. ادامه جنبش توده‌ای سازمانیافته و دخالتگری موثر طبقه کارگر با مبارزه و اعتصاب، تنها راه پایان دادن به عمر ننگین رژیم سرمایه داری اسلامی است.

سر دبیر

## آزادی بیان؛

“توهین به مردم”، “توهین به مقدسات”

سیاوش دانشور

شناخته شده است، در جایی که سرکوب سیاسی و فقر و ناامنی وجود ندارد، احترام انسانها به همدیگر بیشتر و همبستگی انسانی بالا می‌رود. در یک جامعه آزاد شعور و فرهنگ حاکم، مرزهای کهنه "عقاید مردم"، معنی "توهین" و همه چیز زیر و رو می‌شود. دین بعنوان دکانی برای لغت و لیس و آخوند و خاخام و کشیش بعنوان "قدیس" و "مقدسات مذهبی" رنگ می‌بازند. فرهنگ با شرایط اجتماعی تدریجاً متحول می‌شود. وضع قوانین جدید و آزادیخواهانه خود منشا ایجاد فرهنگ جدیدی می‌شود و این استدلال‌های عهد بوقی و محافظه کار تدریجاً بی معنی می‌شوند. امروز، تا به بحث آزادی بیان مربوط است، باید از تمامیت آن دفاع کرد و تسلیم سیم خاردارهای اسلامی و ناسیونالیستی و دمکراتیک نشد. این چهار چوبها ضد آزادی بیان و خود صورت مسئله امر آزادی و رهائی بشریت اند.

\*\*\*

منصور حکمت را بخوانید و  
به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## دیپلماسی جمهوری اسلامی را از مرگ حتمی

نجات نمی‌دهد!

## سرکوب و جنایت در داخل، کرنش در خارج

خارجی بود کرد، دوباره جان بگیرد و برای دورهای بعدی خیزش خود را برای مقابله با مبارزه مردم آماده کند. از اخبار پیداست که اخیراً جمهوری اسلامی پنهانی با دولت آمریکا در مورد مناقشه اتمی به توافقاتی رسیده اند. پولهای بلوکه شده ایران در عراق تحت شرایطی آزاد شده است و شایعه است که پول بلوکه شده دایران در کره جنوبی نیز بزودی برای «مصارف انسانی» آزاد خواهد شد. خامنه‌ای اخیراً در این رابطه دوباره «کرنش قهرمانانه» از خود نشان داد و در جمع مدیران ارشد اتمی گفته است: «توافق کنند اشکال ندارد، اما نباید زیر ساخته‌های اتمی دست بخورد». توافق با عربستان سعودی دایر کردن سفارتخانه‌ها در هر دو کشور وارد روابط با مصر، مبادله زندانیان و آزادی تروریست جنایتکار اسداله اسدی از زیر تیغ محاکمه، همه دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی بعد از سرکوب خونین خیزش انقلابی برای اینکه هنوز مقبولیت خود را نزد دول منطقه بقبولاند، بگوید هنوز سرپاست. قدرت مانور دارد. باضافه اینکه جمهوری اسلامی برای نشان دادن قدر قدرتی خود به نیروهای اپوزیسیون در خاک عراق باحمله توپخانه‌ای و پهبادی به مقرات آنها دولت عراق را برای خلع سلاح آنها تحت فشار قرار می‌دهد.

دلایل زمینی واقعی این اتفاقات و اقدامات جمهوری اسلامی در خارج مرزهای ایران، خیز بر داشتن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. خیزش انقلابی اخیراً هر موانعی که سر راهش از جمله سرکوب شدید و خونین، هم به جمهوری اسلامی و هم دولت‌های سرمایه داری در جهان و منطقه نشان داد که مردم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و دست از مبارزه بر نمی‌دارند. بهتر است دست از حمایت آن بردارند.

واقعبیت این است که تحول انقلابی در ایران، نه تنها جمهوری اسلامی که کل دول منطقه را برای مقابله با آن بسیج کرده است. دولت آمریکا و کل بورژوازی جهانی هر نگرانی که از مزاحمت جمهوری اسلامی داشته باشند با خیزش انقلابی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی میانه خویشی ندارند. جمهوری اسلامی رام شده و کنار آمدن با دولت‌های منطقه و دست از مزاحمت برداشتن را به قیام و سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم ترجیح می‌دهند. جمهوری اسلامی اگر برای حفظ سکان قدرت در این مرحله به نزدیکی و توافق با عربستان سعودی نیاز دارد، عربستان نیز برای حفظ اسلام و اسلام سیاسی و مقابله با مردم ایران زیر بغل جمهوری اسلامی را می‌گیرد، چون سرنگونی اسلام سیاسی در ایران، حاکمیت کل اسلام سیاسی در منطقه از عربستان و شیخ نشینهای عرب و افغانستان را نیز به خطر خواهد انداخت. تحول انقلابی در ایران اگر به نفع مردم و جامعه‌ای آزاد و برابر و کوتاه کردن دست مذهب و اسلام سیاسی از زندگی مردم به سر انجام برسد، بدون تردید کل موازنه سیاسی را در منطقه به هم خواهد زد. این بند و بستها و توافقات میان جمهوری اسلامی و دول منطقه ریشه در نگرانی آنها از تحولات در ایران و به خطر افتادن منافع همه آنهاست.

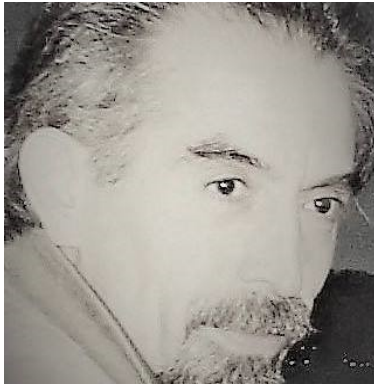
از این رو باید روشن باشد که این اقدامات اگر کوتاه مدت نفسی در کالبد مرده جمهوری اسلامی بدمد، جمهوری اسلامی را بدون شک از

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## آزادی بیان؛

### “توهین به مردم”، “توهین به مقدسات”

سیاوش دانشور



جدا کنید، “به باورهای مردم احترام بگذارید”، “سکولار باشید نه ضد دین”، “منتقد صلحجو باشید نه منتقد ایدئولوژیک و ستیزه جو”، “مردم ایران صدقه میدهند”، “عینی باشید نه ذهنی”، “توهین با آزادی بیان فرق دارد”، “کارگران امرشان اینست و آن نیست”! و صف طولی از استدلالهایی که در بحث آزادی بیان، “اما” و ملاحظات و بایدها و نبایدهای خود را دارند.

این طیف سیاسی خودشان “مقدسات” دارند، اگر در “مقدسات” اسلامی شریک نباشند دستکم به مذهب بعنوان ابزاری مهم و ضروری مینگرند. برخی شان مانند ناسیونالیستها مخالفت شان با اسلام برسر هژمونی اسلام یا ناسیونالیسم است و نه مخالفت با وجود مذهب و دستگاه واتیکان اسلامی. اینها طبق تاریخ سیاه دورانهای قدیم شان، مذهب و سلطنت را دوقلوی ضروری ای میبینند که یکی سلطان و هدیه خدا به مردم است و دیگری توجیه گر الهی قدرت سلطان. بخشی دیگر که دمکراسی میخواهد، بدون اسلام و حکومت اسلامی و مشارکت با اسلامیون نمیتواند دمکراسی را تعریف کند. سکولارهایشان مرتبا تاکید میکنند که “انها سکولارند و نه ضد دین”. در طیف رادیکال تر و جوانان اینها، “مبارزه با مذهب امری تاریخی است”، “تابعی از نفی سرمایه داری بطور کلی است”، “مبارزه طبقاتی مهم تر است”، و بحث تقابل با مذهب انحرافی نابخشوندی است که “به اتحاد طبقه کارگر ضربه میزند”. این استدلالها البته یک اسپیلون پایشان روی زمین واقعی و طبقاتی و تاریخی نیست و تنها زبانی متفاوت برای سیاستی محافظه کار در مقابل مذهب است. تلاشی بیهوده برای روتوش اشتراک سیاست با ناسیونالیستها و جمهوریخواهان و اسلامیون متفرقه در بحث آزادی بیان است.

پاسخ ما به کل این طیف های متفاوت که در بحث آزادی بیان کمابیش در یک صف ایستاده اند، بسادگی اینست که آزادی بیان و نقد و ابراز وجود در اشکال مختلف، اولاً حق هر کسی است، ثانیاً مبصر و مجمع تشخیص مصلحت و اداره ارشاد نمیخواهد، ثالثاً مرز ندارد و هیچ محدوده ای مصون از آن نیست، رابعاً به اعتقادات و “مقدسات” هر کسی برمیخورد باید تحمل داشته باشد و حق ندارد شانتاژ کند، فتوا دهد، تهدید و ارعاب کند، روانکوی و نشر اکاذیب کند. انسانها یکبار دنیا می آیند و حق دارند در این یکبار هرچه دلشان میخواهد و با هر چهارچوبی که میخواهند بگویند و هیچ قانون و دولتی نباید مانع آن شود. قانون نهایتاً باید این حق را برسمیت بشناسد و مانع تعرض به آزادی بیان به هر بهانه ای شود.

#### باورهای مردم

“باورهای مردم” وسیله ای است که هر کسی که مخالف حرف انتقادی من و شماسیت پشت آن سنگر میگیرد و اعتراض میکند که “این حرف شما علیه باورهای مردم است”، “به باورهای مردم احترام بگذارید”! بگذارید بپرسیم که باورهای مردم در کدام مرجع و نهاد و اداره مورد توافق عموم ثبت شده است؟ آیا بجز اینست که حکومتهایی مانند جمهوری اسلامی و داعش و طالبان با زور شمشیر و قانون اسلام همه مردم را ملزم کرده که به این باورها گردن بگذارند؟ مردم باورهای مختلفی دارند و این باورها قبل از اینکه باور خودشان باشد باور طبقات حاکم است. اگر سلطنت در ایران حاکم باشد من و شما به اجبار جزو “ملت ایران” محسوب میشویم و لذا “باورهای ملت ایران” و “مقدسات” شان چنین و چنان میشود. اگر اسلام قدرت را در دست داشته باشد من و شما جزو “امت اسلامی ایران” سرشماری میشویم و “باورهای امت اسلامی ایران” و “مقدسات اسلامی” طور دیگری تعریف میشود.

صفحه ۴

در ایران بدنیاال قیام بهمین ۱۳۵۷ مقوله “آزادی بیقید و شرط بیان و نقد” شدت غریب بود و حتی “لیبرالی” توصیف میشد. اما بتدریج به یک بند برنامه سیاسی اکثر نیروها و جریانات چپ اپوزیسیون تبدیل شد. امروز اما، تراشیدن “مقدسات”، کشیدن سیم خاردار دور تعصبات عقمانده بعنوان حوزه های غیر قابل بحث، و واکنش به هر مسئله ای تحت عنوان “توهین به یک گروه یا قوم یا ملت یا دین” یا “توهین به مقدسات” مسئله را بسیار پیچیده کرده است. اگر اوضاع به همین روال پیش برود، باید در فردای ایران هزاران مجسمه از “مقدسات” مختلف برپا کنیم و دهن بیش از نود درصد مردم را به این دلیل که حرفشان میتواند “توهین” به عده دیگری تلقی شود، ببندیم! این ارتجاع محض است و کمونیسم و جنبش طبقه کارگر مطلقاً نباید با آن سازش کند.

برنامه کمونیستی ما از:

“مبارزه قاطع علیه هر نوع تبعیض نژادی و نژادپرستی” و “ممنوعیت هر نوع تبلیغ نفرت مذهبی، ملی و قومی، نژادی و جنسی. ممنوعیت ایجاد احزاب و گروه های سیاسی که برتری ملی، قومی، نژادی، مذهبی و جنسی گروهی از مردم بر دیگران، جزو اصول رسماً اعلام شده آنها باشند”، سخن میگوید که مصداق آنها روشن است. ما مقوله ای بنام “توهین به مردم” یا “توهین به عقاید و مقدسات مردم” نداریم.

#### آزادی بیان

تا به خود بحث آزادی بیان بطور کلی برمیگردد، بیان قید و شرط ندارد، مرز ندارد، تابع هیچ نوع تبصره و “مقدساتی” نیست، هیچ گروه و قدرت و دولت و حکومت و مذهب و آئوریتیه و عشیره ای نمیتواند غل و زنجیر بیای آزادی بیان ببندد. نقد یک وجه مهم آزادی بیان است. ما برای تحقق “آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد، آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه، لغو هر نوع ارجاع در قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم، ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد” مبارزه میکنیم.

کسی که از نقد سیاسی برآشفته میشود و یا واکنشهای غیر طبیعی نشان میدهد، باید بدو به طیب اش مراجعه کند. چنین کسانی صلاحیت دفاع از آزادی بیان ندارند چون هنوز دامنه تحمل سیاسی شان از خشکه مقدس های اسلامی فراتر نرفته است. شبه “اپوزیسیونی” که در صورت مسئله جمهوری اسلامی شریک است و بحث اش اینست که “شکاف در جامعه ایران بین بی دینی و دینداری نیست بلکه بین دمکراسی و دیکتاتوری است”، به دین و خرافه نیاز دارد، به دمکراسی لویه جرکه ای نیاز دارد. چنین کسانی وقتی احساس فشار کنند دوباره قمه و پونز جیب میگذارند و مخالفین شان را مشمول الطاف اسلامی میکنند.

یک رگه عمومی در بحث آزادی بیان اینست که مسئله امروز مردم ایران چی هست و چی نیست و البته خود جواب میدهد که مسئله مردم تهاجم به دین نیست. استدلالها متنوع و متلون اند اما این تنوع و تلون میان طیفهای یک بستر سیاسی واحد است که با نفس تهاجم انتقادی به دین و مذهب و اسلام مسئله دارد. همه اینها انواع ادله برای ما ردیف میکنند که کوتاه بیایید، “حساب اسلام را از آخوند و حکومت اسلامی

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

## آزادی بیان؛

### "توهین به مردم"، "توهین به مقدسات"

سیاوش دانشور

درجه وسعت نظر، عقب ماندگی و جمود فکری و فاکتورهای فرهنگی است. مثلاً شما میتوانید با کاریکاتور در خیلی کشورها افراد و شخصیت‌های سیاسی و هنری و مذهبی را مسخره کنید، در صورتی همین کار در ایران و عراق با یک الم شنگه و چه بسا شورش و تحریک ملی و مذهبی روبرو شود. شما میتوانید حرفی و طرحی را سکسیستی، ضد زن و غیره بنامید در صورتی که بخشی دیگر در جامعه آنرا امری عادی، پیش و با افتاده، و حتی صورتی از آزادی بیان و ابراز وجود تلقی کند. شما میتوانید مولتی کالچرالیسم و تقسیم انسانها به مارکهای قومی و ملی و مذهبی و "اصیل" و "غیر اصیل" را یک پیشرفت بدانید و یکی دیگر آنرا عین راسیسم بدانید. ظاهراً حرف دومی میتواند برای اولی راسیستی باشد و برعکس، و در هر دو حالت به عقاید دو طرف "توهین" شده است!

کسانی که پشت بحث "توهین به عقاید مردم" سنگر میگیرند، و یا کسانی که در مقام توجیه گر و کارمند اداره سانسور میگویند: "فلانی قصد توهین نداشته و عملش توهین نبوده"، همه در یک اصل مشترک اند: توهین! اما توهین چیست؟ کجا مردم جانی آگاهانه پذیرفته اند که اقدامی یا سخنی "توهین" است بجز کسانی که میخواهند با این چماق نگذارند من و شما حرف بزیم؟ اصلاً فرض کنیم کسی آگاهانه خواسته توهین کند، به "مقدسات" شما آگاهانه فحش و بد و بیراه گفته است. من میپرسم چه ایرادی دارد؟ اگر شما نمی پسندی خوب اینکار را نکن! شما هم میتوانی به همه "مقدسات" و باورهای این طرف توهین کنی و خودت را خالی کنی! این که لشکر کشی و قشون راه انداختن نیاز ندارد.

#### "مقدسات" نداریم!

اولاً ما بعنوان کمونیست کارگری "مقدسات" نداریم. ثانیاً آنچه که برای فرد یا افرادی "مقدس" است برای بقیه مردم جهان "مقدس" نیست. ثالثاً دنیا نمیتواند برای تحقق یک حق بدیهی و پایه ای بشری مانند آزادی بیان در جنگ مقدسات منجمد شود. همین طرفداران "مقدسات" در دنیای امروز هر دقیقه "مقدسات" عده دیگری را لگدمال و چه بسا نابود میکنند. مگر ندیده اید که طرفداران پر و پا قرص "ناموس" در جنگ یک ابزارشان تجاوز به "ناموس" دشمنان شان است؟ مگر ندیده اید که مذهبیبون دو آتشه و پرچمداران "مقدسات مذهبی" در جنگ و ترور "اماکن مقدس" یکدیگر را منفجر میکنند؟ مگر ندیده اید ناسیونالیستهای دو آتشه و طرفدار "هویت مقدس ملی" هر روز "مقدسات ملی" رقیبانشان را نابود میکنند؟ کلمه "مقدسات" و "توهین به مقدسات" پشت و روی سکه یک ارتجاع سیاسی برای تحدید آزادی بیان، کنترل مردم در جامعه و سلب آزادی آنهاست.

میلیاردها مردم جهان "مقدسات" مشترکی ندارند لذا "توهین به مقدسات" یک جز لاینفک از آزادی بیان است. نقد و هجو و مسخره کردن و توهین به "مقدسات" و باورهای فرد هنوز در چهارچوب آزادی بیان است. اما وقتی این نقد و توهین و تمسخر عقاید به خود فرد صاحب عقیده تسری پیدا میکند، یعنی وقتی نقد از حوزه تقابل آرا و افکار بیرون می‌رود و به تمامیت فرد حمله میکند، اینجا دیگر با راسیسم و تهاجم به حرمت و حقوق فرد و یا افراد دیگری روبرو هستیم و باید به همین عنوان راجع به آن بحث کرد. ما باید بروشنی بدانیم راجع به چه مسئله ای بحث میکنیم. مثلاً کسی نمیتواند و مجاز نیست تحت پوشش آزادی بیان به فرد حقیقی و حقوقی تهمت و افترا بزند. در چنین مواردی قانون میتواند فرد خاطی را نه بخاطر اظهارات و عقایدش بلکه بخاطر تهمت زدن و افترا به فرد دیگری تحت تعقیب قرار دهد. جامعه در کنار تضمین آزادی بیان و نقد، موظف به تضمین و دفاع از حرمت و حقوق فردی و اجتماعی هر شهروند است. جامعه و قانون موظف به دفاع از امنیت جانی شهروندان است و باید در مقابل تهدیدها و تحریکات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد بایستد.

در یک جامعه آزاد، در جایی که آزادی همه برسمیت

اگر عشایر و اقوام و فدرالیستها حاکم شوند، باورهای مردم صد جور میشود و هر کدام دیگری را "پست"، "تازی"، "شوونیست"، "سوسمارخور" و صد ناشایست دیگر میداند و تثبیت "باورهای رسمی مردم" به جنگ داخلی و نتایج آن گره میخورد. اگر دمکراسی حاکم باشد، از کل این ماتریال عهد عتیقی نمونه برداری میکنند و تناسب و تقسیم قدرت بین آنها را "باور مردم" نام میگذارند.

در این میان این خود مردم اند که بی تقصیر اند، کسی نظرشان را نمیپرسد، جانی دسته جمعی اعلام نکردند که چه باوری دارند، چه باوری ندارند، و در قبال انتقاد و اعتراض چه میگویند و چگونه میخواهند عمل کنند؟ "مردم" و "باورهای مردم" کاغذ کادو و چهارچوبی است که هر مرتجعی تلاش میکند عقاید خود را بر این اساس موجه جلوه دهد اما در دنیای واقعی علیه عناصر و احاد و گروههای همان "مردم" به نام "باورهای مردم" می ایستد! پاسخ به همه این طیف اینست که مردم باورهای مختلفی دارند، فرهنگ های مختلفی دارند، عقاید و سنتهای مختلفی دارند، آرمانهای مختلفی دارند، مردمی یکدست و یک جور با عقاید و باورهای یکسان وجود خارجی ندارد. پشت مردم سنگر نگیرید، داور جهان نباشید، عقاید خودتان را بگوئید و برای آن مبارزه کنید و نیرو جمع کنید.

وانگهی چرا باید به هر باور مردم احترام گذاشت؟ این توقع بسیار ناموجهی است. برسمیت شناسی و دفاع از "حق" افراد و گروهها برای برخورداری از آزادی بیان با "احترام به باور" آنها خیلی فرق دارد. هر کسی حق دارد به هر خرافه و به هر ارتجاعی باور داشته باشد و با صدای بلند آنرا اعلام کند، دولت باید این حق را تضمین کند و ما مدافع آزادی و امکان مادی بروز ارتجاعی ترین و ناهنجارترین باورها و عقاید سیاسی هستیم. اما چرا بحث حق داشتن را به بحث سکوت در مقابل عقاید ارتجاعی تحت عنوان "احترام به باور مردم" بسط میدهید؟ آیا دلیل این نیست که تحت این پوشش میخواهید از همان ارتجاع سیاسی دفاع کنید؟ ما نه کلانتر باورهای مردم هستیم و نه به باورهای عهد عتیقی و ضد آزادی احترام میگذاریم. نه فقط احترام نمیگذاریم بلکه برای تغییر آنها مستمراً تلاش و مبارزه میکنیم. آزادی بیان رابطه ای است بین قدرت فائقه و شهروندان و نه رابطه شهروند با شهروند. قانون باید آزادی بیان را برای همه برسمیت بشناسد اما شهروند در مقابل شهروند موظف نیست در مقابل عقاید دیگر سجده کند. بالاخره باید نفس حق وجود داشته باشد و آزادی بیان و نقد باورهای دیگر رایج و فرض باشد تا جامعه بتواند بین عقاید درست و غلط انتخاب و واقعی اش را بکند. تصور اینکه جامعه ای بدون نقد و بدون عبور از خرافه بتواند جلو برود تصویری غیر تاریخی و مذهبی است.

#### "توهین به عقاید مردم"

اگر عده ای میگویند باید به عقاید مردم احترام بگذارید، عده بیشتری در مخالفت با هر نقدی میگویند "این آزادی بیان نیست، توهین به عقاید مردم است!" "توهین به عقاید مردم" ابزاری برای ایجاد مناطق ممنوعه نظامی و امنیتی و حیثیتی و "ناموسی" است که قرار است از هر نقد و بررسی مصون بمانند. اسلام پدیده ای را توهین میدانند، ناسیونالیسم پدیده دیگری. هر کسی که "مقدسات" میتراند بدنبال آن "توهین به مقدسات" را غیر مجاز اعلام میکند. وانگهی توهین با افترا به افراد حقیقی و حقوقی بسیار فرق دارد. توهین یک قلمرو خاکستری است و معنی آن برای هر فرد بیشتر تابعی از فرهنگ سیاسی، نوع نگرش به پدیده ها،

## اعلامیه حزب حکمتیست

### اعتراض کارگران داروگر "ما خودمان میتوانیم کارخانه ها را اداره کنیم"!

بنا به گزارش دریافتی، از ماه های قبل اجتماع و اعتراض کارگران شرکت داروگر در شهرهای مختلف در اعتراض به رکود تولید و عدم پرداخت حقوق و بیمه کارگران شروع شده بود. در ادامه در روز دهم خرداد امسال به دنبال اقدام چند هفته گذشته کارفرمای کارخانه داروگر تهران در تعطیلی کارخانه و اخراج ۴۲ نفر از کارگران معترض این مجموعه، تجمعی اعتراضی توسط این کارگران با پهن کردن موکت مقابل درب کارخانه در غرب تهران برگزار شد. در این تجمع اعضای تشکل ضد کارگری شوراهای اسلامی کار نیز حضور داشتند که تلاش در باز نشان دادن کارخانه و بازگشایی نمایشی داروگر را داشتند که منابع کارگری این اقدام را نمایشی معرفی کرده و هنوز معتقدند درب کارخانه بسته و فقط برای آن یک روز به شکل نمایشی با حضور مسئول روابط عمومی شرکت و وعده های دروغینش باز شد و خطوط تولید این کارخانه همچنان تعطیل است.

داروگر به عنوان یکی از قدیمی ترین واحدهای تولیدی ایران اکنون از ماه بهمن ۱۴۰۱ تا خرداد ۱۴۰۲ حقوق و بیمه کارگران خود را رد نکرده و حتی پرسنل نگهداری کارخانه نیز که همچنان بر سر کار حاضر می شوند، حقوق دریافت نمی کنند. از اردیبهشت ماه امسال زمزمه های بسته شدن کارخانه بدلیل بدهی مدیر عامل و مالک کارخانه به اداره مالیات و دارایی شنیده می شد اما در ادامه کارگران این شرکت در تلاشی نافرجام شاهد این بودند که شرکت در تنها اقدام موثر خود ۲۴ میلیارد تومان از مالیات پرداخت شده خود را با هماهنگی وزارت اقتصاد موقتاً پس گرفت تا حقوق و بیمه کارگران را پرداخت کند. اما هم کارگران و هم اعضای تشکل های حکومتی و رسمی موجود اذعان می کنند که از این مبلغ حتی یک ریال هم به کارگران داده نشده و کارفرما و مالک کارخانه تنها به اسم کارگران در حال دریافت تسهیلات و ساختن برج و ویلا در شمال غرب و شمال شرق تهران است.

مجموعه هولدینگ داروگر که علاوه بر خود شرکت داروگر شامل چندین کارخانه دیگر مثل کلوچه زنجان، روغن جهان، تولی پرس و خود ۲۰ مجموعه کارخانه داروگر در سراسر کشور است، همگی در دهه ۱۳۸۰ به فرد سرمایه دار دارای نفوذی به نام بیژن اسماعیلی واگذار شد و از زمان واگذاری این شرکت ها وضعیت همه آن ها مشابه داروگر است. مدیران دولتی در زمان واگذاری داروگر و دیگر شرکت ها با قیمت بسیار ارزان به بخش خصوصی ادعا می کردند که مالکان خصوصی ماشین آلات جدید و سرمایه به این شرکت منتقل می کنند اما کارگران می گویند از زمان ورود مالک بخش خصوصی هیچ سرمایه و ماشین آلات جدید یا نورآوری به شرکت وارد نشده است.

کارگران علاوه بر اعتراض به بازگشایی نمایشی و بسته شدن دوباره و عدم پرداخت حقوق خود، به خصوصی سازی شرکت نیز اعتراض کردند و در بیان خود از طریق نمایندگان عملی خویش، خواستار اداره و کنترل کارگری مجموعه شدند. کارگران می گویند "ما خودمان میتوانیم کارخانه ها را اداره کنیم". این تجمع با حضور ماموران یگان ویژه پلیس رژیم جمهوری اسلامی پایان یافت اما اعتراض کارگران داروگر و دیگر مجموعه ها در سایر شهرستان ها کمابیش ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتراض برحق کارگران داروگر حمایت می کند. این سخن کارگران که "ما خودمان میتوانیم کارخانه ها را اداره کنیم"، بسیار واقعی است. شرایط داروگر در بسیاری از صنایع و کارخانجات متوسط و کوچک وجود دارد. مبارزه کارگری برای احقاق حقوق پایمال شده توسط سرمایه دارانی که دست در دست دولت دارند، به این سمت خواهد رفت. از اعتراض کارگران داروگر حمایت کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۲۶ خرداد ۱۴۰۲ - ۱۶ ژوئن ۲۰۲۳



### زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراهای را برپا کنید!  
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

۲۰ سال گذشت، ۳۰ خرداد ۶۰

## گفتگوی آذر ماجدی با منصور حکمت در رادیو

انترناسیونال

۲۳ خرداد ۱۳۷۹



میگذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست... یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعاً سرکوب کند، هر چند چماقداری هست، چاقو کشی هست، اسلامگیری هست. خلخالی همان موقع برای رژیم جلادی میکند، با این وجود رژیم این

قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلای مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سر درمیآورند، کتابهای مارکس و لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراهای کارگری بوجود میآیند، سازمانهای مختلف زنان بوجود میآیند، موج اعتراضی بالا میگیرد. تا اینکه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که یک کودتای خونین ضد انقلابی-اسلامی صورت میگیرد. هجوم میآورند و روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامه‌ها را میبندند و مخالفینشان را تار و مار میکنند. این آن پدیده‌ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ فاصله‌ای است که در آن نیروها و دولت‌های دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند. و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت میگیرد.

خوب است یادآوری کنم که اعدام‌های حکومت اسلامی اساساً از روی لیست کسانی بود که در رژیم شاه به زندان افتاده بودند. کسی که در رژیم شاه دو ماه حبس گرفته بود در حکومت اسلامی اعدام شد. همان کسانی را زدند و کشتند که رژیم شاه میخواست بزند و بکشد و نمیتوانست...

**رادیو انترناسیونال:** یعنی جمهوری اسلامی کار سرکوب انقلاب را که شاه از پس آن برنیامد، تمام کرد و در واقع از مردمی که علیه رژیم شاه انقلاب کرده بودند انتقام گرفت. ولی چطور توانست اینکار را انجام دهد؟ چون تا همان دیروز ۳۰ خرداد روزنامه‌های چپی بودند، تظاهرات انجام میشد، و علیرغم دستگیریه‌ها و جنگ و جدال با چماق‌دارها، آزادی وجود داشت. ۳۰ خرداد چه ویژگی داشت که حکومت اسلامی توانست خود را تحکیم کند و جنبش انقلابی دیگر نتوانست سر بلند کند؟

**منصور حکمت:** این یک کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد. مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف بروند خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلانی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چی‌ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبزدند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان میشنوند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل‌کشی در رواندا، به مراتب وحشتناکتر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدیهای مهم انسانی قرن بیستم است. زدند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین‌ترین و پرشورترین و آزادیخواهترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

صفحه ۷

**رادیو انترناسیونال:** اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست نخوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید:

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه‌گذارها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملاً با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل کرده‌اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

**منصور حکمت:** بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده‌ای از آن دوران ندارند، حتماً آن تاریخ را بازبینی کنند) میبیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش، با شکنجه‌هایش بپاخواستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیتهای سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه‌ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروتهای انبوه. مردم علیه اینها بپا خاستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه‌ای از جامعه ایران بود، پر و بال میگیرد. یکی از شخصیتهای این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را برمیدارند و به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از آن وقت رسانه‌ها و دولت‌های غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هویزر از طرف دولت آمریکا میآید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی میگیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم برخلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در روی نظامی شکست میدهند. اما ماحصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی. منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

**۲۰ سال گذشت، ۳۰ خرداد ۶۰**

**گفتگوی آذر ماجدی با منصور حکمت در رادیو**

**انترناسیونال**

**۲۳ خرداد ۱۳۷۹**

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پولهایشان را بردارند و بروند لس آنجلس. سر و کار بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه‌های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میدانند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.


**رادیو انترناسیونال:** حزب کمونیست کارگری یک کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جانباختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

**منصور حکمت:** فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس اند، در کابینه اند، رئیس قوه قضائیه اند، رهبرند، رئیس ارتش اند، سران سپاه پاسداران اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه‌های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت‌هایش از خمینی و بهشتی، تا خاتمی و خامنه‌ای و رفسنجانی و گیلانی، و همه کسانی است که در این روند نقش داشته‌اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

\*\*\*\*\*

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۵۸  
۲۵ خرداد ۱۳۸۰ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱



**اسلام و اسلام زدایی**  
**منصور حکمت**  
**ژانویه ۱۹۹۹**

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبینش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

**رادیو انترناسیونال:** رهبران جمهوری اسلامی که الان بجان هم افتاده‌اند، در آن موقع، همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظورم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دوی خردادها را اسم ببرم... بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دوی خرداد است، جاریان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون آمدند و الان بجان هم افتاده‌اند؟

**منصور حکمت:** جناح‌بندی همان موقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح‌بندی که الان میبینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی‌ها در صف مقدم حکومت بودند. صف‌بندی‌ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دوی خرداد است، خود اولین قربانی خط امامی‌هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دوی خرداد هستند. دولت آنموقع دست این خط امامی‌ها بود. منظورم کابینه است. همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دوی خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافلی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده‌اند و دموکرات شده‌اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نسبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه‌ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلال و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود، در رأس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند.

فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند. در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگهدارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاششان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سر پا نگاه دارند.

**رادیو انترناسیونال:** آیا میشود گفت که به این ترتیب دوم خردادها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

**منصور حکمت:** ابد! دوم خردادها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکنند، البته بعدها در دادگاه‌هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که خودی و غیرخودی را تعریف میکند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی‌ها یا بیرون میگذارد.

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست

## در رابطه با تعطیل اعتراضی شهر سقز و جواب قاطع به رژیم سرکوبگر اسلامی

## وحشت رژیم از مزار مهسا امینی!

طی چند روز گذشته و بدنبال تجمع مادران داغدیده خیزش انقلابی اخیر در ایران بر مزار جانباخته مهسا امینی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی طرحی برای تغییر نقشه گورستان ایچی محل دفن مهسا امینی را در دستور قرار داده است. هدف این طرح ایجاد ممانعت برای چنین گردهمایی های است که در آینده هم قطعاً صورت می گیرد.

مردم مبارز سقز بعد از مطلع شدن از این طرح بدرست اقدام به تعطیل بازار و بسیاری امکان دیگر در سطح شهر سقز نمودند و با این حرکت به رژیم کودک کش اسلامی اخطار دادند که هر نقشه ای برای تغییر محل مزار مهسا و سرپوش گذاشتن بر جنایتی که جان مهسا امینی را گرفت با عکس العمل شدید مردم مبارز سقز روبرو خواهد شد.

واهمه رژیم از مزار مهسا بی دلیل نیست، خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ با مرگ مهسا جرقه گرفت و در مدت زمان اندکی در بیشتر شهرهای ایران مردم معترض در مصافی رودرو با رژیم اسلامی پایه های این حکومت جنایت و سرکوب را به لرزه درآوردند. تعطیل کردن شهر و بستن بازار هشدار اولیه مردم مبارز سقز به نیروهای سرکوبگر رژیم برای هر ترفند بعدی دیگری است که بخواهد مزار مهسا را که به محل تجمع خانواده های داغدار تبدیل شده از بین ببرد یا از دید مردم پنهان کند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست از اقدام بجا و هشدار مردم سقز پشتیبانی میکند و از مردم دیگر شهرهای کردستان میخواهد که علیه هر ترفند و نقشه رژیم در این رابطه اقدام لازم را در دستور کار خود قرار دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری\_ حکمتیست

۱۳ ژوئن ۲۰۲۳

## پیام کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان،

## به زندانیان سیاسی!

## همرزمان دربند!

کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در روزهای ۱۳ و ۱۴ خرداد با شرکت دهها تن از اعضای این شورا به صورت حضوری در کشور سوئد و همچنین از طریق آنلاین برگزار شد. این کنفرانس در این دو روز به بحث و تبادل نظر در مورد عرصه های فعالیت مربوط به شورا پرداخت و با انتخاب رهبری جدید برای شورا، به استقبال پیشبرد وظایف و فعالیت های دور آتی رفت. کنفرانس ما از اهمیت مبارزات و صلابت و استواری شما در مقابل رژیم سرکوبگر اسلامی غافل نماند. ما جامعه معترض و جان به لب رسیده ایران درمیان موج اعتراض و تلاش برای سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، بر اهمیت و نقش ایستادگی زندانیان سیاسی در این سالها و آنهم زیر چنگال دژخیمان و زندانبانان سرکوبگر واقف است.

سرکوب، شکنجه، زندان و اعدام طی ۴۴ سال گذشته، جواب جمهوری اسلامی به هر ندای مخالفت و اعتراض علیه او بوده است در همان حال و در مقابل این سرکوبگریها در طی این سالها زندانیان سیاسی مبارزات خود را در آن شرایط وحشتناک، بی باکانه به دیگر عرصه های مبارزه اجتماعی در خارج از زندانها گره زده و در موارد بسیاری جمهوری اسلامی و سرکوبگران آن را دچار سراسیمگی کرده اند. امروز و در شرایطی که جامعه ایران بر اثر خروش اعتراضات اخیر و عزم جامعه برای کنار زدن رژیم مرتجع سرمایه داری ایران آستان تحولات مهمی است، نقش تاریخی و انکارناپذیر شما در نشان دادن استقامت و شجاعت، مورد پشتیبانی و تقدیر هر انسان آزادیخواه و حق طلبی در جامعه است.

## همرزمان دربند!

کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان به شما بخاطر مقاومت و استقامتتان در سیاهچالهای رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی درود می فرستد. شورای ما در همراهی با جنبش جاری و مردم معترض در کف خیابانها، به شیوه های مختلف برای آزادی فوری و بی قید و شرط شما به تلاشهای خود ادامه خواهد داد. بر ما روشن است ماشین اعدام و زندان جنایتکاران را تنها با فشار نیروی عظیم اجتماعی مردم بجان آمده می توان به عقب راند. ما به روز شکوهمند شکستن در زندانها و آزاد کردن عزیزان دربندمان امیدواریم و برای تحقق آن تلاش خواهیم کرد.

ما همچنین، مردم آزادیخواه و مبارز کردستان را فرامیخوانیم که کماکان در کنار خانواده های زندانیان سیاسی یارومدافع و پشتیبان آنها باشند و به هر شکلی که مناسب میدانند آنها را مورد حمایت خود قرار دهند و همچنان خواست و شعار ” زندانی سیاسی آزاد باید گردد“ را تا به سرانجام رساندن آن، بر پرچم هر حرکت اعتراضی حک کنند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۴ خرداد ۱۴۰۲

۱۴ ژوئن ۲۰۲۳



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!





استراتژی و تاکتیک رابطه ارگانیکی با هم دارند. لازم و ملزوم هم اند. تاکتیک نباید ناقص استراتژی، اصول و پرنسپب هویتی و پایه ای باشد. تاکتیک برای کمونیستها پولتیک زدن نیست، بلکه عمل انقلابی موثر و شفاف است. منصور حکمت در مبحثی به نام "سمینار اوضاع سیاسی و تاکتیکها" در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست به زبان ساده ای جایگاه تاکتیک را با این بیان مشخص میکند. "این دیدگاهی که یا تاکتیک و حزب را به هم گره میزند

یا حزب را جدا از تاکتیک میخواد بسازد، این دوتا رابطه معینی با هم دارند، رابطه هویت و حرکت. آدم معینی حرکت معینی میخواد بکند.

هر دفعه که میخواد حرکت بکند که نمی گوید من تقی هستم، میخوام راه بروم که! میگوید من تقی هستم، امروز گرسنه هستم، فردا تشنه هستم، میخوام بروم مدرسه، دانشگاه اسم نوشتم، وظیفه من اینه شش کلاس دیگر درس بخوانم، نمیگویم باز وظیفه ام اینست که تقی باشم. این تقی بودن کمونیسم را باید در اسناد دیگری غیر از اسناد تاکتیکی مشخص بکنیم و آن اسناد اسمش هست برنامه و اساسنامه و .... در همان مبحث در بند پنجمش میگوید، "خط مشی تاکتیکی ما در این دوره، باید ساختن آلترناتیو پرولتاریای انقلابی در قبال قدرت سیاسی باشد"

در پرتو این نگرش موارد مهم و تابو شکنانه تاکتیک و ابتکارات خلاقانه اساساً توسط حکمت و نه کس دیگری را مرور میکنیم.

- اولین مورد قابل توجه اتخاذ تاکتیک اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۱۳۵۸ در برخورد به مسئله ارضی و جنبش دهقانی انتشار جزوه "کمونیستها و جنبش دهقانی پس از حل مسأله ارضی در ایران به قلم منصور حکمت و در این راستا ترجمه هفت مقاله از لنین در باره مسأله ارضی و جنبش دهقانی" توسط اتحاد مبارزان کمونیست از ابتکارات آن دوره است. این مسئله به ویژه در رابطه با اتحاد مبارزان کمونیست قابل توجه است که در حوزه فعالیت اتحاد مبارزان کمونیست در تهران و مناطق مرکزی ایران مسئله ارضی و دهقانی تقریباً مطرح نبود. این مسئله در کردستان و در مقطع محدودی در ترکمن صحرا و بعضی مناطق دیگر مطرح بود. دیگر سازمانهای چپ سراسری و خود کومه له در کردستان که با این مسئله دست به گریبان بود، سیاست روشنی در قبال آن نداشتند. اما اتحاد مبارزان کمونیست که آنوقت یک سازمان کوچکی هم بود، مسئله را تشخیص میدهد و سیاست تاکتیکی راهگشایی را طرح میکند. برای مثال در این رابطه ابراهیم علیزاده دبیر اول کومه له در کتابش به زبان کردی، اشاره کرده، که منصور حکمت بهتر از ما در رهبری کومه له وقت مسئله دهقانی و ارضی در کردستان را تشخیص داده و راه حل برای آن ارائه کرده بود.

- مورد مهم دیگر اتخاذ تاکتیک تشخیص "جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در شرایط کنونی در بهمن سال ۱۳۵۸ است، که به این شکل این جبهه ها تبیین شده است.

۱- مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر کشور بر علیه فلاکتی که نظم سرمایه داری وابسته و بحران ریشه ای تحمیل کرده.

۲- مبارزات انقلابی زحمتکشان کردستان در دفاع و بسط دستاوردهای دمکراتیک انقلاب.

تعیین این دو عرصه در آن مقطع مهم است. اولاً، در پیش گرفتن خط مشی کنکرت و نه کلی گویی مرسوم در چپ آنوقت قابل توجه است. ثانیاً تشخیص اینکه کدام جبهه های نبرد در آن دوره اولویت دار بوده اند و از جمله در تشخیص آن دوره عطف توجه به مبارزات انقلابی

## منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و تاکتیک و ابتکارات

(بخش اول، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳)

رحمان حسین زاده

تمرکز بحث در این سمینار بر متد دخالتگرانه منصور حکمت در تحولات سیاسی و اتخاذ تاکتیکهای خلاقانه و ابتکارات بخشاً غیرمعارف توسط او متمرکز است. قبل از پرداختن به محورهای اصلی مورد بحث، توضیح کوتاهی را لازم میدانم. شاید این ایراد مطرح شود که در معرفی و بازخوانی این همه دستاوردهای نظری، سیاسی و پراتیکی منصور حکمت چرا من در این بحث بر عرصه دخالتگری و تاکتیک متمرکز شدم و از زاویه تاکتیک و ابتکارات حکمت را معرفی میکنم و به معنایی این شبهه را ایجاد کند که معرفی ناقص، محدود و یک بعدی از او به دست میدهم. در مورد این ایراد احتمالی پاسخ اینست در فاصله ۲۱ ساله از دست دادن حکمت به سهم خود در چهارچوبهای پایه ای و در ابعاد دیگر به بازخوانی آثار و دستاوردهای منصور حکمت پرداختم از جمله: مبانی کمونیسم کارگری، سلسله مبحث معرفی برنامه دنیای بهتر، حکمت و ملی گرایی و ناسیونالیسم، حکمت و مساله کرد و فدرالیسم، حزب و قدرت سیاسی، نگاهی به ۲۵ سال فعالیت کمونیستی پربار منصور حکمت، حکمت و کمونیسم کارگری در عراق، حکمت و سیاست سازماندهی ما در میان کارگران، حکمت و تشکلهای توده ای طبقه کارگر، عروج کمونیسم کارگری در حزب کمونیست ایران و علل و نحوه جدایی از آن حزب و بعضی مباحث دیگر. در نتیجه این بحث را در کنار آن مباحث دیگر قرار میدهم و به این ترتیب تصویر یک بعدی از حکمت به دست نمیدهد و امیدوارم در فرصتی این مجموعه را در کتابی منتشر کنم.

دلیل دیگر من برای انتخاب مبحث دخالتگری و تاکتیک این واقعیت است که بخش عمده حیات سیاسی یک حزب سیاسی مدعی قدرت و فعال اتخاذ تاکتیک و ابتکارات و خلاقیت است. آن پدیده ای که در غیاب حکمت در جنبش کمونیسم کارگری و در سطح جنبش کمونیستی ایران آن هم در دوره حاد سیاسی کنونی جامعه ایران به شدت خلا آن دیده میشود.

منصور حکمت در یکی از مباحثش فکر میکنم همان مباحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه، یک نگرانی عمیق خود را در مورد دو روش فعالیتی نادرست و مرسوم در میان چپ رادیکال و به طور عام کمونیستها گوشزد میکند. دسته اول متد و یا روش مضر جریانهای چپی است که برای اجتماعی شدن و توده ای شدن و به زعم خودشان تأمین دخالت گری به رنگ جنبش ها و جریانهای غیر کمونیستی و کارگری درمیآیند و به دنباله رو آنها تبدیل میشوند، یا بدتر در آنها هضم میشوند. پوپولیسم و راست روی اولین عارضه این ترند است. دسته دوم، آن چپهای رادیکالی هستند، برای حفظ اصولشان، برای منزه نگهداشتن عقایدشان، متد و روش انزواطلبانه را برمیگزینند. کمونیسم کارگری حکمت متد و روش دخالت گرانه و پراتیکی را ارائه کرد. مارکسیسم پراتیک آن درس و تجربه گرانبهایی است که برای ما جا گذاشت. بعد از این مقدمه نه چندان کوتاه اکنون به بحث مورد نظرم ورود میکنم.

**تاکتیک، ابتکارات و خلاقیت!**

همانطور که اشاره کردم، تاکتیک جایگاه مهمی در حرکت هر حزب و جریان دخالتگر خاستار تصرف قدرت سیاسی دارد. طبعاً

## منصور حکمت: دخالت گری کمونیستی و تاکتیک و ابتکارات

(بخش اول، به مناسبت روز حکمت ۲۰۲۳)

رحمان حسین زاده

کردستان حائز اهمیت است.

- مورد دیگر ارائه پلاتفرم تاکتیکی پیشنهادی اتحاد مبارزان کمونیست در مقابله با کودتا بوده است. بیانیه ای که در ضمیمه ۱ شماره ۱ بسوی سوسیالیسم نشریه تنوریک اتحاد مبارزان منتشر شده است.

انوقت طرح کودتا علیه ضد انقلاب اسلامی تازه به قدرت رسیده مطرح بود. یک مورد به نام کودتای "نوزده" شکست خورد. اعلام موضع اصولی در مقابل حرکت کودتایی علیه رژیم هار اسلامی که هیچ همسویی با رژیم اسلامی پیدا نکند و در عین حال علیه اقدام ارتجاعی کودتا که در جهت منافع آلترناتیو بورژوازی میبود، اهمیت جدی دارد. چکیده موضع تاکتیکی خلاقانه حکمت و اتحاد مبارزان این بود، ضمن پیگیری اعتراضات و مبارزات علیه رژیم اسلامی، کودتا حرکت ارتجاعی است و در مقابلش باید ایستاد. رژیم آن را دستاویز تشدید سرکوب در جامعه قرار میدهد. بر سازماندهی مستقل توده ای در جهت تداوم انقلاب تاکید میشود.

- بیانیه تهاجم رژیم عراق و وظایف ما (منظور اتحاد مبارزان کمونیست) است، از دیگر تاکتیکهای پرولتری دقیق در آن دوره است. در آن بیانیه این جمله گویا هست. "بی تفاوتی و پاسیفیسم در برخورد با این جنگ با این بهانه که این جنگ به پرولتاریا مربوط نیست" را نادرست میدانند و این موضع فعال اتخاذ میشود که علیه هر دو طرف جنگ باید بود. قطع بیدرنگ جنگ را مطرح میکنند. بر صف مستقل اعتراضی علیه جنگ و اثرات ضد مردمی و عوارض آن پافشاری میشود. یک نکته مهم بر سازماندهی اعتراض و مقاومت مستقل در مناطقی که به اشغال ارتش عراق در آمده اشاره میشود. در مجموع تاکتیک پرولتری و اصولی در برخورد به جنگ ایران و عراق که بعدتر هم در حزب کمونیست ایران ادامه پیدا کرد، مهم بود.

- تبیین بخش دوم برنامه اتحاد مبارزان هم بسیار مهم بود. بعد از چند دهه اتحاد مبارزان کمونیست برنامه کمونیستی مشتمل بر دو بخش طبق ادبیات آن دوره بخش حداکثر و بخش حداقل را تدوین کرد. بخش اول برنامه هویتی و کمونیستی و بخش دوم، بخش مطالباتی که با اتکا به مبارزه و اتحاد و تشکل کارگری و توده ای به سرمایه داری حاکم باید تحمیل شود. توضیح منصور حکمت این بود، جریان ما هم انقلاب و هم رفرم هر دو را میخواهد و همزمان که همیشه نگاهش به گردآوری نیرو برای به سرانجام رساندن انقلاب کارگری است، در عین حال یک لحظه از مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگر و مردم در جامعه غافل نیست. مارکسیسم پراتیک و دخالتگرانه منصور حکمت اینچنین در تدوین برنامه کمونیستی منعکس است. همین متد در تدوین برنامه حزب کمونیست ایران و سپس در تدوین برنامه دنیای بهتر توسط منصور حکمت ادامه پیدا کرده و تکمیل و تدقیق تر هم شده است.

در بخش دوم این میجث به برخی از تاکتیکها و ابتکارات بسیار تاثیر گذار و خلاف جریانی منصور حکمت از مقطه سال ۱۳۶۰ شمسی به بعد میپردازیم.

ادامه دارد

\*\*\*

## یادداشتها،

سیاوش دانشور

روز جهانی مبارزه با کار کودکان  
بردگی کودکان گوشه ای از مناسبات مبتنی بر بردگی

سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۰۲ روز ۱۲ ژوئن را بعنوان «روز جهانی مبارزه علیه کار کودکان» با هدف جلب افکار عمومی به مسئله کار کودکان برگزید.

سازمانهای بین المللی برای زینت تقویم و جدول کاریشان روزهای جهانی مختلفی دارند. اما باید هر سال گفت دریغ از پارسال! چون هر سال بر ابعاد ستم بر زن، خشونت علیه زنان، کار کودکان، بر ابعاد فقر و خشونت علیه کودکان افزوده میشود. تصور اینکه در قرن بیست و یکم ۱۵۴ الی ۱۶۰ میلیون کودک کار داشته باشیم به تنهایی مایه شرمساری نظم کنونی است.

بردگی کودکان گوشه ای از مناسبات مبتنی بر بردگی حاکم بر دنیای امروز است. تنها در این نظام و برای رفع نیازهای این نظام است که به کار کودک، بردگی کودک، قاچاق کودکان، اسارت کودک بدلیل بدهی خانواده، کار اجباری کودک، استفاده از کودکان در دستجات نظامی و تروریستی، سواستفاده از کودکان در صنعت سکس و قاچاق مواد مخدر، انواع خشونت علیه کودکان در محیط آموزشی و خانواده و جامعه را بازتولید میکند. سازمان بین الملل کار کنوانسیون «حداقل سن کار» و «کنوانسیون ممنوعیت کار اجباری» (دارد اما کسی کمترین توجهی به آنها ندارد).

کودکان مقدم اند. مقدم بر هر چیزی، بر هر منفعت ملی، مذهبی، قومی، سیاسی و ایدئولوژیکی. کودکان باید از یک زندگی ایمن و شاد و خلاق و مرفه مستقل از وضعیت خانواده کی برخوردار باشند. جامعه مسئول تامین امنیت و رفاه و سلامت کودکان است.

در اینروز به مبارزان احقاق حقوق کودکان درود میفرستیم. برای هر ذره بهبود اوضاع کودکان از یک وعده غذا تا امکان تحصیل و واکسن باید بیوقفه تلاش کرد. در عین حال نباید فراموش کرد که نظم ضد کودک سرمایه داری و بطور مشخص نظم ضد کودک اسلامی در ایران، نیازمند تعدی و خشونت علیه کودکان است. حکومت کودک کش اسلامی توحش نظام سرمایه داری علیه کودکان را برآستی ارتقا داده است و هر روز تعداد زیادی از کودکان را بعنوان مختلف مورد تهاجم قرار میدهد.

در تحلیل نهایی رهایی کودک و برخورداری همه کودکان از یک زندگی ایمن و سالم و خلاق و مرفه در گرو زدن مانع هایی است که با احقاق حقوق کودکان غیر قابل جمع اند. سرنگونی حکومت کودک کش تنها یک گام در این مسیر است. بردگی کودکان در ایران با درهم کوبیدن نظم مبتنی بر بردگی تماما منتفی میشود.

۱۳ ژوئن ۲۰۲۳

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

مرگ بر سرمایه داری!



اتحادیه اروپا و بسیاری دیگر از برخوردهای نژادپرستانه و وضع قوانین سختگیرانه از اعمال دولتهای مدعی امضا کننده کنوانسیون ژنو می باشد.

در سایه نظم وارونه سرمایه‌داری دریاها نیز بوی خون گرفته‌اند، تاکنون بالغ بر ۲۰ هزار انسان فراری از جنگ و فقر و استبداد در تلاش و جستجو برای ساختن زندگی بهتر جانشان را از دست داده‌اند. در

لجنزار سرمایه‌داری توقع امنیت و زندگی شاد و داشتن آرامش و صلح و نبود جنگ و کشتار، اتویست. یکصد کودک بدون اینکه دخالتی در تصمیم والدین شان داشته باشند در همین حادثه ناگوار زندگی شان به فنا رفته است و شانس تجربه این یک بار حق حیات را به قعر دریا بردند.

برای یافتن مسبب این فاجعه انسانی و سایر فجایع انسانی دیگر که روزانه در گوشه کنار این کره خاکی رخ می دهد لازم نیست جای دور برویم، رژیمهای سرمایه‌داری بعنوان نظام مبتنی بر سود عامل اصلی آن هستند. هنگامیکه دولتهای فرانسه، ایتالیا و بریتانیا برای ویران کردن زیرساختهای کشور لیبی از هم سبقت می گرفتند و جنگ نیابتی در سوریه را ایران و روسیه و دولتهای غربی ادامه دادند و اکنون در اکراین و تعمیق بحران و به فقر کشاندن میلیاردها انسان در اقصی نقاط جهان حتی در کشورهای متروپل. به مدعیان "جامعه جهانی" که خود از مسبب این فجایع هستند نباید چشم دوخت به همین دلیل راهی جز به زیر کشیدن سلطه سرمایه برای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب باقی نمانده است.

سعید آرمان

۱۶ ژوئن ۲۰۲۳



کمپ پناهجویی در یونان



## غرق شدن صدها پناهجو از جمله قریب به

### یکصد کودک

#### "جامعه جهانی" کجاست!؟

سعید آرمان

ساعات اولیه بامداد روز چهارشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳ قایق ماهیگیری حامل بالغ بر ۷۵۰ نفر که عمدتاً اهل لیبی و سوریه بوده‌اند، در آبهای یونان غرق شده‌اند. بنا به اخبار منتشر شده حدود ۱۰۰ کودک در میان مسافران این قایق بوده است. با گذشت ۲ روز از غرق شدن قایق آمار دقیقی از تلفات منتشر نشده است. رسانه‌ها از جمله بی بی سی فارسی از مرگ ۷۸ نفر خبر می‌دهد و کمی بیشتر از ۱۰۰ نفر نجات یافته‌اند. حال عمق فاجعه را دریابید که از یک قایق فرسوده حامل ۷۵۰ نفر بیشتر از ۶۰۰ نفر جانشان را از دست داده‌اند. رسانه‌های جهان در بیان ابعاد فاجعه و قربانیان آن لال شده‌اند زیرا عاملین این فجایع انسانی نان شان را تامین می کنند.

قایق ماهیگیری حامل این پناهجویان فرسوده و صدها نفر بالغ بر ظرفیت خود را حمل کرده است، چیزی که امریست عادی برای قاچاقچیان انسان که پول حرف اول و آخر را برای آنان رقم می زند. دولت یونان ادعای بازداشت ده‌ها نفر قاچاقچی انسان را کرده است.

طبق خبرمنتشر شده، گارد ساحلی یونان از ساعت ۸ صبح به وقت گرینویچ روز سه شنبه ۱۳ ژوئن از حضور قایق حامل صدها پناهجو مطلع بوده و تصاویر هوایی از آن قایق را منتشر نموده است. یک کشتی حامل آب و مواد غذایی به آنان می‌رساند، اما گارد ساحلی یونان که طبق قوانین بین المللی موظف است آنان را نجات دهند، ساعتها در اوج بی خیالی تحت عنوان اینکه خود پناهجویان درخواست کمک نکرده‌اند به امان خدا رها کرده تا فاجعه در ساعت اولیه روز چهارشنبه صورت می گیرد و قایق غرق می شود.

سوال ساده این است که گارد ساحلی یونان می‌توانست و می بایست بموقع و سریع برای نجات آنان و تخلیه قایق اقدام بکند و چرا سهل انگاری کرده‌اند؟ گارد ساحلی گفته است که از ما کمک نخواستند. اما پر واضح است که گارد ساحلی یونان علیرغم واقف بودن به احتمال غرق شدن قایق با جمعیت خارج از ظرفیت و تجارب فراوانی که در این زمینه دارند، عامدانه از اقدام فوری اجتناب کرده‌اند. سالهاست که رفتارهای زشت و غیر انسانی و پناهجو ستیزی گارد ساحلی یونان زبازد خاص و عام است و پناهجویان زیادی شاهدان عینی این ادعا هستند و قربانی زیادی از پناهجویان گرفته است.

دولتهای اروپایی و در راس آنها آمریکا از عاملین اصلی جنگ، فقر، ویرانی و تباهی موجود در کشورهای پناهنده خیز از جمله لیبی، سوریه، افغانستان و غیره هستند که بیشترین تعداد جمعیت مهاجرین را در برگرفته‌اند.

دولتهای اروپایی آماده‌اند هزینه دیوار مرتفع بتونی ۴۹۹ کیلومتری مابین مرز ایران و ترکیه را تامین کنند، مرزی که جمعا ۵۳۴ کیلومتر است، و در عین حال میلیونها یورو به حساب دولت ترکیه برای کنترل پناهجویان و بازی با سرنوشت و آینده آنان واریز می کند و دیوارهای مرتفع با سیم خاردار در مرزهای ترکیه و کشورهای اروپای شرقی ایجاد کنند تا دریاها اینچنین به قتلگاه انسانها بدل شده‌اند. ایجاد اردوگاه‌های پناهنده‌گی با شرایط غیر استاندارد در یونان با هزینه

مرگ بر جمهوری اسلامی!



برگ تاریخ سیاسی ایران ورق خورد. ۳۰ خرداد آغاز جنایاتی گسترده در این دهه بود که تا امروز ادامه دارد و قربانیان بیشماری بجا گذاشته است. خاوران ها، "لعنت آبادها"، "تف آبادها" و گورهای دستجمعی بی نام و نشان در چهار گوشه ایران محصول دهه شصت است.

## یادداشتها،

### سیاوش دانشور

۳۰ خرداد ۱۳۶۰

#### روز تولد جمهوری اسلامی، آغاز هولاکاست اسلامی در ایران

۲۰ ژوئن برابر با ۳۰ خرداد است. در اینروز در ایران کودتای خونین آغاز شد: کودتای ضد انقلاب اسلامی بر علیه انقلاب ۵۷ و نسلی که سودای آزادی در سر داشت. هدف این کودتا در هم کوبیدن انقلاب ۵۷ و نسل انقلابیونی بود که به جریان اسلامی خمینی، که توسط کنفرانس گوادولوپ به انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران تحمیل شد، رضایت نداده بودند. انقلابیونی که به تمهیدات سیاسی و زد و بندهای مونتلفین جهانی و داخلی خمینی وقعی نگذاشتند و در ۲۲ بهمن با قیام رژییم سلطنتی را سرنگون کردند.

اما ماحصل قیام بدلیل محدودیتهای آن انقلاب و از جمله فقدان یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری قدرتمند که بتواند بعنوان سخنگوی انقلاب و حزب استقرار آزادی و برابری و رفاه عمل کند، قدرت سیاسی بدست جریان اسلامی خمینی - بازرگان افتاد. سخنگویان و رهبران جبهه ملی، نهضت آزادی، گروههای ناسیونالیست موسوم به لیبرال و امثال حزب توده و فدائی اکثریت از حامیان پر و پا قرص خمینی بودند. اگر حزب توده و فدائی اکثریت بدلیل ضد آمریکائی گری در سیمای خمینی مرتجع رهبر "ضد امپریالیست" کشف کرده بودند، بخشی دیگر از چپهای ناسیونالیست و مائویست و تروتسکیست مونتلف و حامی "جناح لیبرال" رژییم اسلامی یعنی بنی صدر و شرکا بودند.

قیام علیه رژییم شاه خواست خمینی و جریان اسلامی نبود. قرار بود قدرت سیاسی و ماشین دولتی رژییم سابق طی روندی دست بدست شود و از گزند انقلاب مصون بماند. قیام مردم برنامه ضد انقلاب اسلامی- امپریالیستی را دچار اخلال جدی کرد. هنوز دینامیزم انقلاب زنده بود. کارگران، زنان، نسل جدید انقلابی بخشا مسلح بودند و در خیابانها ماندند. احزاب و سازمانهای سیاسی فعالیت علنی داشتند. چماقداری و ترور و سرکوب وجود داشت اما بالائیها هنوز نمیتوانستند انقلاب را مختومه اعلام کنند. هرچند بسیار قبیلتر به همت دولتهای غربی و رسانه هایشان آنرا "اسلامی" کرده بودند. این اوضاع از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ بطول انجامید. در ۳۰ خرداد رژییم اسلامی کار ناتمام رژییم شاه را تمام کرد و به خونین ترین شکل انقلاب آزادیخواهانه ۵۷ را در هم کوبید.

#### اهمیت تاریخی ۳۰ خرداد

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ مهم است چون روز تولد واقعی جمهوری اسلامی است. ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ مهم است چون سرآغاز هولاکاست اسلامی در ایران است. قبل از ۳۰ خرداد نیز جنایت و سرکوب وجود داشت. در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ رژییم اسلامی به فرمان خمینی به کردستان بورش برد و وسیعترین جنایات را تنها ۵ ماه بعد از انقلاب علیه مردم زحمتکش در کردستان مرتکب شد. در اصفهان به صف کارگران بیکار شلیک کرد و در ترکمن صحرا علیه زحمتکشان جنایت کرد. در تهران و شهرهای دیگر جناب عبدالکریم سروش و شرکا به دانشگاهها هجوم آوردند تا بین دانشگاه و حوزة «پیوند» برقرار کنند و بند ناف این پیوند را با ریختن خون دانشجویان کمونیست بریدند. در ۳۰ خرداد کل نیروی ارتجاع تازه به قدرت پرتاب شده فشرده شد و خونین ترین

۳۰ خرداد یک نقطه عطف و سرآغاز دوره ای جدید است که

انقلاب ایران توسط ضد انقلاب اسلامی در خون غرق میشود. قتل عامی شبیه به قتل عامهای اندونزی و شیلی. خمینی در راس حکومت، خامنه ای، بهشتی، رفسنجانی، میرحسین موسوی، کروبی، خاتمی، روحانی، گیلانی، موسوی اردبیلی، خلخالی، لاجوردی، احمدی نژاد، سروش، گنجی، سازگارا، جلائی پور، محسن رضائی، ابوشریف، بهزاد نبوی، باهنر، مطهری، آخوندهای حاکم شرع و بسیاری دیگر از کاربدستان حکومتی از هر جناح، هولاکاست اسلامی را در ایران راه انداختند.

#### پایان جنگ و قتل عام زندانیان سیاسی

جنگ ایران و عراق بعد از هشت سال و قربانی شدن قریب دو میلیون نفر با نوشیدن جام زهر توسط خمینی به پایان رسید. بار دیگر خمینی دستور قتل عام داد. خمینی طی نامه ای حسینعلی نیری را در راس یک هیات مرگ برای کشتار روانه زندانها کرد. در تابستان ۱۳۶۷ بار دیگر قتل عامها شروع شد. هزاران زندانی سیاسی در مدت دو تا سه ماه در زندانهای ایران اعدام شدند. بسیاری که در سالهای ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ جان سالم بدر برده بودند در سال ۶۷ اعدام شدند.

جمهوری اسلامی و مضحکه دست ساز "انقلاب اسلامی" هدف قیام و انقلاب در سال ۵۷ نبود بلکه این رژییم برای سرکوب انقلاب و توسط دولتهای غربی سر کار آورده شد. تاریخ تولد واقعی این رژییم ۳۰ خرداد است. کسانی که امروز بنام "اصلاح طلب" و "اصولگرا" تلاش دارند آن تاریخ را لاک بزنند، دستجمعی هولاکاست اسلامی را در ایران راه انداختند. این روز مهم است چون هنوز این جانیان در مسند قدرت اند. هنوز اینها عمدتا در راس ارگانهای رژییم و جزو بدنه این حکومت اند. حتی آنها که به بیرون پرتاب شدند هنوز در باره این جنایتها سکوت میکنند.

اما روزی باید این تاریخ ورق بخورد. همانطور که جنایات فاشیسم هیتلری ورق خورد. باید روزی دادگاهی منتخب مردم تشکیل شود تا به گوشه های تاریک این نسل کشی نور بیاندازد. هدف نه انتقام و تداوم چرخه جنایت بلکه روشن شدن حقیقت تاریخی در تمامیت آنست. هدف عبور جامعه از یک دوران وحشت است. پرونده جنایتهای رژییم جمهوری اسلامی از سال ۵۸ آغاز میشود و تا اعدامها و قتل های اخیر مخالفین سیاسی ادامه دارد.

در سالروز قتل عام آزادیخواهان و مخالفین سیاسی بر سرنگونی تمام و کمال جمهوری اسلامی اعدام پای میفشاریم و آنرا بیش از هر زمان ممکن میدانیم. آنروز که سران و کاربدستان جنایت علیه مردم در چهار دهه گذشته در دادگاههای علنی و عادلانه محاکمه شوند دور نیست. دادگاه سران رژییم اسلامی از دادگاه نازی ها در نورنبرگ در تاریخ مهم تر تلقی خواهد شد.

۱۴ ژوئن ۲۰۲۳

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر



### گزارشات هفته گذشته مبارزات کارگری و جنبش‌های اجتماعی

#### تداوم اعتراضات مردم زاهدان

روز جمعه ۱۹ خردادماه، مردم زاهدان طبق روال جمعه‌های اعتراضی مجدداً دست به تظاهرات زدند. تظاهرات همچون هفته‌های گذشته پس از نماز جمعه با شعارهایی علیه حاکمیت رژیم اسلامی و از جمله خامنه‌ای و در حمایت از انقلاب مردم ایران و زندانیان سیاسی برگزار شد. هزاران نفر از مردم از مسجد مکی خارج شده و در خیابان‌ها به شعار دادن پرداختند. مردم آزادیخواه زاهدان خطاب به مردم سراسر ایران شعار می‌دادند: ایرانی، اتحاد، انقلاب، آزادی

لازم به ذکر است تعدادی از شهروندان معترض اهل زاهدان در همین روز توسط ماموران وابسته به ارگانهای امنیتی بازداشت شدند. اسامی افراد بازداشت شده محمد صادق براهویی - متولد: ۱۳۸۵ - فرزند: داوود، علی زردکوهی - فرزند: خلیل، باسط کاشانی، یاسر توتازهی، روح الله شه بخش، حامد خارکوهی و علی ریگی می‌باشد.

#### تجمع اعتراضی کارگران هپکو به تبصره‌هایی از برنامه هفتم توسعه

صبح روز شنبه ۲۰ خردادماه ۱۴۰۲، جمعی از کارگران هپکو در اعتراض به تبصره‌هایی از برنامه هفتم توسعه در محوطه داخل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراض کارگران این شرکت تبصره مربوط به سن بازنشستگی در ماده‌های ۶۶ و ۶۷ در لایحه برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه ۱۴۰۲ است. براساس این تبصره‌ها، حداقل سن بازنشستگی برای زنان ۴۵ سال و مردان ۵۰ سال پیش بینی شده است.

کارگران هپکو پیش از این در نامه‌ای به نمایندگان مجلس مخالفت خود را با این تبصره اعلام کرده و از دولت خواسته بود که برای جبران خسارت صندوق‌های بازنشستگی، به دنبال راهکارهای دیگری باشد.

#### اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران شرکت بناگستر کرانه

صبح سه‌شنبه ۱۶ خردادماه جمعی از کارگران شرکت بناگستر کرانه در خصوص مطالبه ی بهبود وضعیت شغلی و افزایش دستمزدهای خود، اعتصاب کرده و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

به گفته‌ی یکی از کارگران: "حقوق دریافتی کارگران نسبت به شرایط کاری بسیار پایین است و ما خواستار افزایش حقوق و بهبود وضعیت شغلی خود هستیم. حقوق پرداختی این شرکت به موقع است؛ اما سنگینی کار از میزان دستمزد دریافتی بیشتر است و ما به این موضوع اعتراض داریم و میخواهیم به آن رسیدگی شود." در جریان تجمع کارگران جلسه‌ای در خصوص مواردی که نسبت به آن اعتراض داشتند برگزار شد. در این جلسه با وعده مدیریت برای رسیدگی به خواسته‌ها، کارگران به اعتصاب پایان دادند.

#### تجمع اعتراضی کارگران و کارکنان شهرداری یاسوج

روز دوشنبه ۲۲ خردادماه ۱۴۰۲ جمعی از پرسنل رسمی، پیمانی، شرکتی و کارگران بخش‌های مختلف شهرداری یاسوج با حضور در جلوی درب استانداری کهگیلویه و بویراحمد نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه و مطالباتشان دست به اعتراض زده و خواستار برکناری شهردار این شهر شدند. کارگران شهرداری یاسوج با بیان اینکه مکاتبات زیادی با دستگاه‌های مختلف پیرامون مشکلات شهرداری انجام داده‌ایم، اظهار داشتند: دست ما به هیچ جا نمی‌رسد و چه کسی باید این وضعیت را کنترل کند، نیروهای رسمی سه ماه و نیروهای شرکتی و قراردادی هشت و ۹ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند و از طرفی مدام نیرو وارد می‌کنند، متأسفانه گویا نظارتی هم در کار نیست.

#### اعتراض کارگران سیمان درود به اهداف برنامه توسعه هفتم

روز سه‌شنبه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۲ جمعی از کارگران سیمان درود نسبت به بندهای ضد کارگری برنامه هفتم توسعه دست به اعتراض زدند. این

کارگران گفتند: به عنوان بخشی از جامعه کارگری که ذی‌نفعان اصلی مقررات قانون کار محسوب می‌شویم، اعتراض خود را نسبت به پیش‌نویس مفاد ۶۶/۶۷، ۱۹/۲۰ برنامه توسعه هفتم و سایر بندهای ضد کارگری اعلام می‌کنیم چرا که معتقدیم در صورت تصویب این مفاد از سوی مجلس؛ بخش زیادی از منافع قانونی کارگران هدف قرار خواهد گرفت. آنها افزودند: ما کارگران سالیان سال با سخت‌ترین شرایط به امید آینده و آرامش خانواده‌هایمان کار کرده و حق بیمه پرداخت کرده‌ایم اما دولت قصد افزایش سن بازنشستگی را دارد.

#### تهدید به اخراج ۳۵۰ کارگر خطوط ابنیه فنی کرمان توسط پیمانکار

اخبار منتشر شده، از فشار پیمانکار خطوط ابنیه فنی کرمان بر ۳۵۰ کارگر شاغل برای عقد قرارداد جدید خبر می‌دهد. کارگرانی که در استخدام این شرکت پیمانکار هستند، از حدود ده سال پیش که همکاری خود را در خطوط ابنیه فنی آغاز کرده‌اند، سنوات دریافت نکرده‌اند و برخی مزایای مزدی آن‌ها نیز به دلیل قانونی نبودن قرارداد پرداخت نشده است به همین دلیل کارگران از امضای قرارداد جدید خودداری می‌کنند. در روزهای اخیر فشارهای کارفرما برای انعقاد قرارداد افزایش یافته است اما کارگران تصمیم گرفته‌اند تا وصول مطالباتشان از امضای هر قرارداد جدید که قانونی نیست، خودداری کند.

کارگران به دلیل مخالفت با عقد قرارداد جدید از طرف عوامل کارفرما تحت فشار قرار گرفته و به آنها اعلام شده است که در صورت خودداری از امضای قرارداد جدید، اخراج می‌شوند.

به گفته‌ی کارگران؛ خواسته آنان عقد قرارداد قانونی اداره کار و وصول مطالبات سنواتی است و این خواسته زیادی نیست که کارفرما بخواهد در برابر آن کارگران را با اعمال فشار از کار بیکار کند.

**تعطیلی کارخانه آجر سفال گنبد به دلیل بدهی به اداره گاز دو ساله شد**  
دو سال از تعطیلی کارخانه آجر سفال گنبد به دلیل آن‌چه که بدهی به اداره گاز عنوان شده، می‌گذرد. در یک گزارش منتشر شده به نقل از تعدادی از کارگران در این باره آمده است که بدهی این کارخانه به اداره گاز حدود سه میلیارد تومان است که در نتیجه آن اداره گاز اقدام به قطع گاز کارخانه کرده و کارگران بیکار شده‌اند. به گفته کارگران، تعطیلی این کارخانه ۶۳ نفر را به صورت مستقیم و حدود ۲۰۰ نفر را به صورت غیر مستقیم از اشتغال منع کرده است. این کارگران در ادامه در خصوص عدم پیگیری مسئولان جهت باز شدن مجدد این کارخانه گفتند: «هیچ کس جوابگو نیست. علی‌رغم اینکه همه مسئولان شهرستانی و استانی از موضوع مشکل قطعی گاز کارخانه باخبرند اما اقدامی صورت نمی‌دهند. پیشنهاد ما شروع به کار کارخانه است تا با از سرگیری تولید، کارفرما بتواند مطالبات معوقه کارخانه به اداره گاز را پرداخت کند»

#### شرکت نورد ایوان تعطیل و کارگران بیکار شدند

شرکت نورد ایوان غرب به عنوان تنها تولید کننده میلگرد ساختمانی (روزانه ۱۵۰ تن) در استان ایلام و فعالترین واحد تولیدی در شهرک صنعتی ایوانغرب که قریب ۵۰ نفر کارگر در آن مشغول به کار بوده‌اند، به دلیل اختلاف فی مابین مشاور برق و مالک این شرکت، از عصر روز (یکشنبه ۲۱ خردادماه) خط تولید آن به طور کامل از مدار خارج و کاملاً تعطیل شده است.

#### کشته و مصدوم شدن ۲ کارگر در ریزش دیوار در کارخانه در حال احداث

حوالی ساعت ۱۳ روز سه‌شنبه ۱۶ خردادماه ریزش یکی از دیوارهای کارخانه در حال احداث روکش لاستیک راور منجر به گیر افتادن ۲ کارگر در زیر آوار شد. سریعاً سایر کارگران حاضر در محل، ۲ کارگر مصدوم را از زیر آوار بیرون آورده و مصدومان به بیمارستان راور منتقل شدند.

یکی از مصدومان این حادثه در همان ابتدای حضور

پرسنل اورژانس در محل فاقد علائم حیاتی بود که

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

به‌رغم تلاش کادر درمان متأسفانه فوت کرد. کارگر فوت شده جوانی راوری و حدود ۳۰ ساله بوده و کارگر دیگر آسیب دیده نیز دچار شکستگی دست شده که حال عمومی وی مساعد گزارش شده است.

### مرگ یک کارگر در حادثه انفجار در کارخانه «الندشیمی»

انفجار در مخزن مواد اولیه کارخانه «الند شیمی» در شهرستان اشتهارد در استان قزوین منجر به فوت یک کارگر شد. ابراهیم کردلو (فرماندار شهرستان اشتهارد) با تأیید این خبر گفته است: انفجار مربوط به مواد اولیه کارخانه الند شیمی بوده که بلافاصله گروه‌های امدادی به محل حادثه اعزام شدند که متأسفانه یک کارگر حدود ۵۴ ساله در این حادثه جان باخت.

### مرگ یکی از کارگران معدن مس سونگون ورزقان بر اثر واژگون شدن دامپتراک

روز چهارشنبه ۲۴ خردادماه یکی از رانندگان دامپتراک شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان که ساعت ۶ صبح روز شنبه ۲۰ خردادماه ۱۴۰۲ به علت خواب‌آلودگی و خستگی ناشی از فشار زیاد کار از پله‌های معدن سقوط کرده و بر اثر واژگونی دامپتراک دچار خونریزی داخلی شده بود، شب گذشته جانش را از دست داد. هویت این کارگر جانباخته سلیمان فرضی، حدود ۵۰ ساله گزارش شده است. وی که حدوداً ۱۶ سال سابقه کاری داشته در استخدام شرکت آهن‌آجین از شرکت‌های پیمانکار فعال در مجتمع مس سونگون بوده است.

### مصدومیت ۱۶ کارگر در واژگونی سرویس کارگران شهرک صنعتی در جاده نیشابور

صبح روز چهارشنبه ۲۴ خردادماه ۱۴۰۲، سرویس کارگران یکی از شرکت‌های صنعتی در مسیر نیشابور به مشهد دچار سانحه گردیده و واژگون شد. در این سانحه ۱۶ کارگر مصدوم شدند. سرپرست سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری نیشابور ضمن تأیید این سانحه گفت: با اعلام سانحه نکر شده مزبور در ساعت ۶ و ۴۷ دقیقه بامداد صبح امروز به سامانه ۱۲۵، بلافاصله یک تیم از نجات‌گران ایستگاه شماره یک و تیمی از آتش‌نشانان ایستگاه شماره ۳ به محل اعزام شدند.

ابوالفضل اسدی افزود سرپرست سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری نیشابور با بیان این مطلب که واژگونی این مینی‌بوس فوتی نداشته است، یادآور شد: در جریان حادثه فوق ۱۶ کارگر مصدوم شدند که همگی توسط اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان اعزام شدند.

### یورش پاسداران جهل و سرمایه به کولبران و کاسبکاران مرزی مریوان

روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ جمع زیادی از نیروهای سپاه پاسداران طی عملیاتی وحشیانه به کولبران و کاسبکاران مرز باشماق مریوان حمله می‌کنند و طبق شواهدی که از فیلم‌های ارسالی پیداست سپاه پاسداران، کولبران و کاسبکاران را مورد ضرب و شتم قرار میدهند از جمله کوبیدن سر یکی از این افراد به زمین. نیروهای سرکوبگر سپاه که در میان مردم کردستان شناخته شده هستند یک نیروی مسلح مزدور و تروریست که از بدو حاکمیت منحوس رژیم اسلامی بازوی سرکوب و اختناق و ترور و کشتار مردم کردستان بوده و قطعاً با این رفتار وحشیانه نفرت و انزجار مردم را نسبت به خود ده‌چندان می‌کنند. این اعمال وحشیانه رژیم در

ادامه گسیل نیرو به مرزهای غرب کشور است که با میلیتاریزه کردن کردستان قصد سرکوب خیزش انقلابی مردم ایران بویژه کردستان را دارند که هر روز علیرغم فشارهای نیروهای امنیتی با بکار بردن ابتکارات جدید نیروهای سرکوبگر را به هراس انداخته‌اند، نمونه بارز نحوه برخورد به مادران دادخواه در آراستان آچی شهر سقز می‌باشد.

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن محکوم اعمال وحشیانه سپاه پاسداران و سایر نیروهای سرکوبگر مردم آراستخواه رابه مقابله جدی و جمعی با این وحوش رها شده به جان مردم، فرا میخوانیم.

### معطلی بازنشستگان شهرداری شوش برای دریافت سنوات

جمعی از کارگران بازنشسته شهرداری شوش از ۲۵ اسفند ماه سال ۱۴۰۱ تاکنون احکام بازنشستگی بیشتر آن‌ها به استناد قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور صادر شده، اما تا این لحظه بابت سنوات پایان خدمت خود از کارفرمای سابق طلبکارند. این کارگران که بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان‌آور حدود ۲۰ نفر آنها تأیید شده، مدعی هستند که بابت این مطالبه صنفی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان طلبکارند. مطابق قانون؛ این مزایا باید در زمان بازنشستگی و ترک کار پرداخت شود.

### تجمع اعتراضی جمعی از بازنشستگان کارخانه مس تبریز

روز شنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان کارخانه مس تبریز در واکنش به تداوم نابسامانی صنفی و اقتصادی خود در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاستور تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این بازنشستگان، با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان ابطال مصوبه شورای تخصصی هیات دولت برای واگذاری صندوق بازنشستگی مس به وزارت رفاه هستند. لازم به ذکر است، هفته گذشته، یک کمیته کارشناسی در هیات دولت رای به انجام واگذاری صندوق بازنشستگی مس به وزارت رفاه داده است.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان در استان‌ها

روزیکشنبه ۲۱ خردادماه ۱۴۰۲ بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی شوش، هفت‌تپه و کرمانشاه، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است روز چهارشنبه ۲۴ خردادماه نیز جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز و کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان و همچنین در حمایت از فرزانه زبیلی وکیل کارگران و بازنشستگان مقابل ساختمان استانداری این استان‌ها دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۲۲ خردادماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، بلوچستان، خراسان رضوی و خراسان شمالی، مرکزی، زنجان، تهران، تبریز، فارس، دزفول، اصفهان، لرستان و کردستان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات این استانها دست به تجمع زدند.

### اعتراض معلولان مقابل نهاد ریاست جمهوری

روز یکشنبه ۲۱ خرداد، ۲ معلولان در اعتراض به عدم اجرای پنج‌ساله ماده ۲۷ قانون معلولان و در دومین تجمع سراسری خود، در تهران، مقابل نهاد ریاست جمهوری، در اراک، بروجرد، کرمانشاه، اردبیل، کرمان و قم مقابل سازمان بهزیستی این استانها تجمع اعتراضی برگزار کردند.

### بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت حبس اصغر امیرزادگان

در حالی که نظام آموزشی کشور، سال‌هاست که به قهقرای نابودی نزدیک‌شده و آموزش به مثابه کالایی قابل فروش دست‌به‌دست می‌گردد و ایندولوژی بخش کوچکی از قدرت

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سبیده امیرعسگری و آرش کله

به‌جای دانش ارائه و سکنداران مهم‌ترین نهاد فرهنگی به سرهنگانی منفعت طلب تبدیل گشته‌اند. به عبارت دیگر، اصل ۳۰ قانون اساسی و نیز اصول مرتبط با حقوق ملت به‌دست فراموشی سپرده‌شده و عملاً نادیده گرفته می‌شود، هرکسی که این حقایق را به زبان آورد، به داغ و درفش نواخته خواهد شد.

بیش از بیست سال است که فعالان صنفی فرهنگیان، در این خصوص هشدار داده‌اند، اما به‌جای فدرانی از آنان، توبیخ، تبعید، اخراج و زندان را برایشان در نظر گرفته‌اند. فعالان صنفی فرهنگیان کشور، این حقایق را در چهار چوب قانون، گوشزد کرده‌اند. اما گویی قانون به وسیله‌ای تبدیل شده که فقط با تفسیر عده‌ای خاص قابل اجراست. گویی در این سرزمین «مقتن شأن خود را فراتر از آن می‌داند که خود به قانون عمل کند.»

در جدیدترین اقدام نهادهای امنیتی، اصغرامیرزادگان از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان فارس، با اتهام نخنمای تبلیغ علیه نظام، برای گذراندن ۸ ماه حبس، به زندان فیروزآباد منتقل شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، از مسئولان قضایی و نهادهای امنیتی این پرسش را دارد: چگونه یک معلم می‌تواند علیه نظام تبلیغ کند؟ کجاست شأن معلم که در بنگاه بانگ و رنگ میلی از آن دم می‌زنید؟ چرا به جای حل مساله در صدد پاک کردن صورت مساله هستید؟

اگر می‌خواهید مشکلات را برطرف کنید، چرا کسانی که کشور را به ورطه‌ای نابودی کشانده‌اند، زندانی نمی‌نمایید؟ چرا کسانی را که برای منافع شخصی و گروهی، خون مردم را به شیشه‌کشیده‌اند را زندانی نمی‌کنید؟

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن بازداشت و زندانی کردن اصغرامیرزادگان و سایر معلمان زندانی، با صدای رسا اعلام می‌دارد: بازداشت، تبعید، اخراج، زندان و... فعالان صنفی را از مسیر حقیقت و عدالت‌خواهی، منحرف نخواهد کرد. این شورا معتقد است تازمانی که آموزش و پرورش به‌مسیر درست خود برنگردد، هیچ نوع تغییر مثبتی در جامعه قابل تصور نخواهد بود. این شورا همان‌گونه که در بیانیه‌های پیشین اشاره نموده، معتقد است بی‌عدالتی‌هایی که دانسته در حق معلمان اعمال می‌شود، می‌تواند عواقب غیر قابل‌تصور ایجاد نماید.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۲۱ خرداد ۱۴۰۲

**ماه‌نیر مولایی‌راد، مادر کیان پیرفلک از روز یکشنبه ۲۱ خرداد در حبس خانگی به سر می‌برد**

بنابر گزارش‌های منتشرشده، منزل والدین کیان پیرفلک از روز یکشنبه به وسیله نیروهای امنیتی حکومت ایران محاصره شده و تمامی وسایل منزل آن‌ها نیز از آن‌ها گرفته شده است. از سرنوشت و محل حضور میثم پیرفلک، پدر کیان و پسر کوچک آن‌ها نیز اطلاعی در دست نیست. شاهدان عینی نیز گفته‌اند که حتی خیابان‌های مجاور منزل والدین کیان پیرفلک نیز به وسیله نیروهای امنیتی کنترل شده و از هرگونه فیلمبرداری ممانعت می‌شود.

روزی‌یکشنبه ۲۱ خرداد، پویا مولایی‌راد، پسر عمومی ماه‌نیر مولایی‌راد، به ضرب گلوله نیروهای جمهوری اسلامی مجروح شد و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

به دنبال واکنش‌های گسترده به کشته شدن پویا مولایی‌راد، رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی از جمله نوریوز و خبرگزاری تسنیم تلاش کردند تا پویا را مسئول کشته شدن یک مامور پلیس معرفی کرده و

ماه‌نیر مولایی‌راد، مادر کیان را «بسترساز» رویدادهای سالروز تولد کیان معرفی کنند.

ماه‌نیر مولایی‌راد، در ماه‌های پس از کشته شدن فرزندش همواره مسئولیت قتل کیان را متوجه ماموران حکومت جمهوری اسلامی دانسته و در مقابل روایت‌های حکومتی که تلاش می‌کردند قتل کیان را به مجاهد کورکور، شهروند اهل ایذه مربوط کنند، ایستادگی کرده است.

**شلیک مستقیم نیروهای انتظامی به یک وانت‌پراید بدون هشدار قبلی در خوزستان جان کودکی ۹ ساله را گرفت**

جعفر دلف‌زرگانی پدر این کودک اعلام کرد ماشین پلیس بدون هیچ هشدار یا اعلام ایستیا آژیر، ماشین را به رگبار بست و تیر به کودک ۹ ساله ما اصابت کرد و در همان لحظه فوت کرد. وی افزود: به ما گفته شد که قاتل، بازداشت شده است، اما خود ما هنوز مطلع نیستیم که چه کسی بازداشت است و تنها شنیده‌ایم که بازداشت است.

عموی این کودک نیز با بیان اینکه سرعت ماشینی که کودک در آن بود کم بوده، افزود: زمانی که ماشین کلانتری را پشت سر خود دید، قصد توقف داشت، اما بدون هیچ هشدار و بدون حکم یکباره ماشین به رگبار بسته شد. مرتضی تنها به پدر خود نگاهی کرد، لبخند زد و در جا فوت می‌کند. این اتفاق در حوالی ساعت پنج عصر روز جمعه ۱۹ خردادماه در جاده اهواز به شوشتر، نرسیده به سراهی دیلم رخ داده است.

**عدم رسیدگی پزشکی به وضعیت برهان سعیدی در زندان اطلاعات سندج**

برهان سعیدی از فعالین کارگری سندج که روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲، پس از احضار به اداره اطلاعات این شهر بازداشت شد، علیرغم سابقه بیماری قلبی از دسترسی به رسیدگی پزشکی و داروهای خود محروم شده است. آقای سعیدی دارای ناراحتی قلبی می‌باشد و مسئولان اداره اطلاعات سندج با وجود درخواست آقای سعیدی مبنی بر نیاز فوری به دارو، به وضعیت وی رسیدگی نکرده‌اند و این نگرانی خانواده او را درباره وضعیت سلامت وی افزایش داده است.

**بلا تکلیفی یک دانش‌آموز در بازداشت**

بنابر اخبار منتشر شده توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، دانش‌آموز ۱۶ ساله فرهادنویی اهل روستای ترشکان از توابع مهاباد، که اوایل آبان ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی ربوده شده بود، کماکان به صورت بلا تکلیف در بازداشت به سر می‌برد. بر اساس اطلاع از منبع موثق، فرهاد سال‌ها پیش پدر خود را از دست داده و مادر او نیز از اعضای بسیج است که او را رها کرده و به تهران رفته است. همین منبع اطلاع می‌دهد که برای فرهاد وثیقه‌ی دو میلیارد و نیمی خواسته‌اند. گفته شده که در دوران بازداشت و با شکنجه، فرهاد را مجبور به اعترافات اجباری کرده‌اند.

**اخراج یک دانشجو در دانشگاه آزاد تهران شمال**

شهریار شمس دانشجوی مدیریت دانشگاه آزاد واحد تهران شمال در اکانت تویینتر خود از اخراج از دانشگاه با حکم کمیته‌ی انضباطی خبر داد. این دانشجو که پیش‌تر در جنبش "زن زندگی آزادی" دو بار بازداشت شده بود به حکم کمیته‌ی انضباطی از دانشگاه به طور دائم اخراج و از تحصیل منع شد.

گفتنی است، وی پیش‌تر از نوشتن عفونامه و تعهد نیز به دلیل بی‌گناه بودن، ممانعت کرده بود.

به حزب کمونیست کارگری

ایران- حکمتیست کمک مالی کنید!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!